

نقد جنگ شرف وحید برزگر^۱، اصغر رضاپوریان^۲

چکیده

جنگ شرف مجموعه‌ای است که در بردارنده اشعار شاعران قرن پنجم تا اواخر قرن دهم است. نگارنده آن عبدالرحمان بن شرف است. این مجموعه را می‌توان به چند بخش تقسیم کرد، نخست غزلیاتی که سروده شاعران قرن نهم و دهم هستند. بخش دیگر این مجموعه شامل غزلیات جامی است که به واسطه توجه کاتب به جامی به شکلی ویژه در نسخه قرار گرفته‌اند و قسمت پایانی در بردارنده منظومه یوسف و زلیخای جامی است که البته کامل نیست. نشانه‌های سبک هندی، مکتب وقوع و طرز واسوخت را در این مجموعه می‌توان یافت. اهمیت این جنگ در نوع انتخاب‌های کاتب است که سلیقه شعری مردم قرن دهم را در دل خود دارد، وجود شعرابی که از آن‌ها اطلاعی نداریم، نمونه شعرهای خاص، از جمله یک شعر با ردیف هندی و نمونه‌هایی از این دست به اهمیت موضوع افزوده است. در این تحقیق می‌کوشیم تا این جنگ را از نظر سبک‌شناسی و نقد ادبی مورد بررسی قرار داده و نگاه کاتب را در انتخاب اشعار مورد بررسی قرار دهیم.

کلیدواژه‌ها: جنگ شرف، شعر قرن نهم و دهم، سبک‌شناسی، جنگ نویسی، نقد ادبی

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران. vav.tanha@gmail.com
^۲ دانشیار زبان و ادبیات فارسی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران. نویسنده مسئول rezaporian@gmail.com
تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۷/۲۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۰

مقدمه

نسخ خطی در میان ملل مختلف از اهمیت بالایی برخوردار هستند، چرا که با یافتن و تصحیح این گنجینه‌های ارزشمند می‌توان به ارزش‌های فرهنگی یک ملت در گذشته پی برد و از این طریق پلی میان فرهنگ و آداب و رسوم گذشته تا حال یک ملت ایجاد کرد. بخش عظیمی از آنچه امروز از فرهنگ گذشته ما باقی مانده و در زندگی ما و اطرافیانمان بروز و ظهور پیدا کرده است، فرهنگی است که به واسطه همین نسخ خطی و تصحیح و نشر آن در زندگی ما راه یافته است. «در ایران به سبب تعاملات فرهنگی تاریخی بسیار زیاد و رویکرد معنوی و هنری متفکران ایرانی، از دیرباز انتقال مفاهیم و تعالیم در قالب نسخه‌های خطی امری مرسوم و متداول بوده است. از روزگاران پیشین متفکران، نویسندگان و دانشمندان کوشیده‌اند، حاصل مطالعات و تحقیقات خود را به صورت مکتوب، در دسترس همگان قرار دهند و برای آیندگان به یادگار بگذارند. حاصل این تحقیقات در جهان اسلام به جایی رسیده است که از حد احصاء بیرون است و کتابخانه‌های بزرگ عمومی و خصوصی در تمام دنیا مملو از این آثار است» (رضاپوریان، ۱۳۹۵: ۷۲). به همین جهت است که در سال‌های اخیر توجه زیادی به این امر شده است. چاپ و نشر کتاب‌های مختلف روش تصحیح نسخ خطی خود گواهی بر این مدعا است. تصحیح انتقادی متون، یکی از شاخه‌های مهم نقد ادبی است که هدف آن چاپ و نشر انتقادی متن‌های کهن از آثار به‌جا مانده علمی، ادبی و فرهنگی و سایر زمینه‌های فکری است. هر یک از نسخه‌های خطی به فراخور زمان کتابت و محتوا برای خود جایگاهی دارند، اما در این میان برای دستیابی به مسائل فرهنگی موجود در یک دوره مسلماً تصحیح نسخ خطی ادبی نقش ویژه‌ای دارد. در میان نسخه‌های خطی که زیر مجموعه ادبیات قرار می‌گیرند، نمونه‌های متعددی در موضوعات مختلف می‌توان یافت؛ تاریخ‌نگاری‌ها، سفرنامه‌ها، جنگ‌ها، سفینه‌ها، بیاض‌ها، شرح آثار و احوال دانشمندان و بزرگان اقوام مختلف و از این دست موارد است. این نسخ در بردارنده مطالب و مفاهیم مهمی به لحاظ تاریخی و فرهنگی هستند. جنگ‌ها و سفینه‌ها یکی از زیرمجموعه‌های نسخ ادبی هستند که اطلاعات مهم و مفید فرهنگی بسیاری در دل خود دارند. این مجموعه‌ها از آنجایی که در بردارنده شعر شعرای متعدد هستند ناخودآگاه سلیقه شعری مردمان یک دوره را هم در خود مستتر دارند. همچنین در برخی از این مجموعه‌ها اشعاری از شاعری یافت می‌شود که در دیوان آن شاعر موجود نیست، به همین جهت از این منظر می‌توان گفت سفینه‌ها و جنگ‌ها از اهمیت بالایی برخوردارند و تصحیح این متون می‌تواند برای دریافت اتفاقات فرهنگی و اجتماعی و ادبی یک دوره بسیار مفید واقع شود. در اینجا لازم است توضیحی مختصر درباره جنگ و سفینه ارائه کنیم و پس از آن به جنگ شرف که محور این تحقیق است بپردازیم.

ابتدا باید به این نکته اشاره کنیم که در اغلب جاهایی که با واژه جنگ و سفیه در مباحث ادبی روبه‌رو می‌شویم به این می‌رسیم که تقریباً این دو واژه در یک معنا به کار رفته‌اند و «تتها باید گفت که واژه جنگ کاربرد تازه‌تری نسبت به سفینه دارد و تا پیش از قرن نهم خبری از جنگ نیست و از قرن نهم به بعد کاربرد واژه جنگ رواج می‌یابد. عده‌ای از نویسندگان واژه جنگ را به معنای نوعی کشتی بادبان‌دار در نظر گرفته‌اند که اصل آن چونک بوده و با این تفاسیر مشخص است میان جنگ و سفینه تفاوتی وجود ندارد و در یک معنا به کار رفته‌اند» (صفری آق قلعه، ۱۳۹۰: ۹). اصطلاحات سفینه و

جنگ، معمولاً برای نامیدن مجموعه‌های شعری به کار می‌رفته است. کاربرد هر دو واژه در متون کهن این نکته را تأیید می‌کند. یکی از کهن‌ترین متون فارسی که واژه جنگ در آن به معنی همان کشتی‌ها به کار رفته تاریخ اولجایتو اثر ابوالقاسم عبدالله بن محمد القاسانی است؛ اما کهن‌ترین نوشته فارسی که نگارنده کتاب نسخه شناخت در اثر خود معرفی می‌کند و واژه جنگ در آن به معنی نوعی نسخه به کار رفته بی‌بی است از شرف‌الدین علی یزدی است که برای نوشتن روی جلد جنگ نوشته شده و از آنجا که ابیات سروده شده یزدی در این بخش برای کتابه جلد آورده شده، مشخص است که این بیت را برای جلد یک جنگ سروده است. بیت مذکور از این قرار است:

جنگ‌ها در بحر باشد و اندرین جنگ شریف
بحرها بینی گهرزا و آن گهرها بس لطیف

لازم به یادآوری است که مرحوم محمود فرخ در مقاله‌ای با عنوان «با شرطه_ جنگ و سفینه» مطلبی درباره واژگان جنگ و سفینه نوشته‌اند که همراه با یادداشتی از مرحوم عباس اقبال به چاپ رسیده و در آنجا یادآور شده‌اند که در متونی چون لباب الالباب، المعجم فی معاییر اشعارالعجم، دیوان سعدی و دیوان حافظ واژه سفینه به معنی دفتر شعر به کار رفته است. (همان: ۸ و ۱۰)

جنگ شرف یکی از نمونه‌های جنگ نویسی در سده دهم هجری است که در بردارنده اطلاعات مفیدی از دوره ذکر شده است. این دوره که مصادف با شکل‌گیری سبک هندی است به لحاظ ادبی از اهمیت بالایی برخوردار است. هم‌زمانی سبک هندی با مکتب وقوع و طرز واسوخت و یافتن نمونه‌های قابل توجهی برای این مکاتب در جنگ شرف بر اهمیت آن افزوده است. ما در این تحقیق به ذکر نمونه‌هایی از آن خواهیم پرداخت.

ادبیات و پیشینه تحقیق

بحث درباره روش‌های تصحیح نسخ خطی در آثار مختلف کم و بیش و به صورت پراکنده به چشم می‌خورد، «در کشور ما تلاش در این زمینه بی‌سابقه نیست و اکنون عمر آن به بیش از هشتاد سال می‌رسد. در همین مدت، دانشمندان بزرگی با فراگرفتن اصول و قاعده‌های این علم از فرنگیان و احياناً تلفیق آن با سنت گذشته آثاری گران‌قدر تصحیح و منتشر کرده‌اند» (ثروت، ۱۳۹۳: ۱۳). از جمله این آثار می‌توان به کتاب تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح متون اثر نجیب مایل هروی اشاره کرد که روش تصحیح متون خطی را به شکلی کامل و مدون توضیح می‌دهد، کتاب روش تصحیح انتقادی متن از منصور ثروت و نسخه شناخت اثر علی صفری آق قلعه از دیگر آثاری است که در این زمینه به چاپ رسیده است و توجه به آن‌ها بسیار برای مصححان می‌تواند مفید باشد. جنگ‌ها و سفینه‌هایی نیز تصحیح شده‌اند که به عنوان پیشینه این تحقیق می‌توانند مورد استفاده قرار بگیرند. به عنوان نمونه؛ نسخه سفینه کهن رباعیات که توسط ارحام مرادی تصحیح شده و به چاپ رسیده است. این کتاب یکی از قدیم‌ترین سفینه‌های رباعی است که با در برداشتن بیش از ۱۲۵۰ رباعی از مهم‌ترین سفینه‌های رباعی محسوب می‌شود. این سفینه کهن تعداد زیادی رباعی تازه به پیکره شعر فارسی اضافه می‌کند و رباعی‌سرایان ناشناسی را به جمع شاعران پارسی‌گوی می‌افزاید. قدیم‌ترین مأخذی است که ۴۴ رباعی به نام خیام دارد و از آن میان ۱۹ رباعی که پیش‌تر جایی به نام او نیامده و ۱۳ رباعی که تاکنون در هیچ منبع کهنی دیده نشده است. بسیاری از رباعیاتش منبع جانبی اما مهم در تصحیح رباعیات شاعران صاحب دیوان است. گذشته از این‌ها، مطالعه آن در کنار دیگر سفینه‌های رباعیاتی که در

شمال غرب ایران تدوین یافته‌اند به شناخت بهتر گفتمان‌های ادبی و تحولاتش در آن منطقه می‌انجامد.

مقاله اشعار نویافته در جنگ خطی ۹۰۰ مجلس، به قلم محسن شریفی و حامد خاتمی‌پور نمونه دیگری از این گونه آثار است در این مقاله ضمن توضیحی مجمل درباره مشخصات این سفینه که در قرن هشتم ه. ق کتابت شده است، شرحی کوتاه در ذکر پیشینه تحقیقاتی که بر روی آن صورت گرفته است، می‌یابیم. همچنین نمونه‌های نویافته‌ای از اشعار شاعران نامدار سده‌های ششم و هفتم هجری قمری همچون معزی، انوری، مجیرالدین بیلقانی و سعدی به دست می‌دهد. در واقع در این مقاله دو غزل، یک قطعه و یک رباعی از انوری، یک غزل از معزی، سه غزل، یک قطعه و دو رباعی از مجیرالدین بیلقانی و دو قطعه از سعدی به عنوان اشعاری معرفی شده‌اند که در دیوان شاعران نامبرده موجود نیست.

نقد جنگ بیاض، عنوان مقاله دیگری است که توسط اصغر رضاپوریان نوشته شده است. در این مقاله جنگ بیاض به عنوان مجموعه‌ای منتخب از اشعار شاعران قرن پنجم تا قرن هفتم معرفی می‌شود که به دست کاتبی ناشناس نگاشته شده است. این نسخه خطی که در بردارنده شش صد و پنجاه و پنج بیت شعر از شاعران نامداری همچون منوچهری، انوری، سنایی، خاقانی، مجیر، کمال و شمس طبسی است از نظر نوع نگاه انتخاب کننده اشعار بسیار اهمیت دارد. در این تحقیق به تحلیل درون‌مایه این جنگ توجه شده و از منظر نقد ادبی و سبک‌شناسی اشعار و شیوه انتخاب اشعار مورد بررسی قرار گرفته است.

نمونه‌های پیشین تنها بخشی از کارهای صورت گرفته در این زمینه است، اما آنچه در این پژوهش بیشتر مورد توجه قرار گرفته کتاب تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح متون اثر نجیب مایل هروی و کتاب نسخه شناخت اثر علی صفری آق قلعه برای بحث تصحیح است و از نمونه‌های دیگر که بیشتر آن مقالاتی است که در زمینه نقد نسخ تصحیح شده نوشته شده الگوبرداری شده است

اهداف تحقیق

اهمیت و ضرورت تصحیح نسخ خطی بر کسی پوشیده نیست با وجود این، در اهمیت تصحیح نسخ خطی که به شکل جنگ هستند، می‌توان گفت: با تصحیح این نسخ، برخی از شاعران دوره‌های مختلف که از آن‌ها اطلاعی در دست نیست و مجموعه شعر آن‌ها به هر دلیل جمع‌آوری و چاپ نشده است، معرفی می‌گردند و بعضاً نمونه‌های بسیار خوب از اشعار شعرای دوره‌های مختلف شناسایی و معرفی می‌شوند. چه بسا شعری که در تاریخ ادبیات ما تنها یک شعر و نامی از آن‌ها باقی مانده است آن هم به لطف همین جنگ‌ها و سفینه‌ها. همچنین اگر شعرهای جمع‌آوری شده، در یک جنگ یا سفینه به یک دوره تاریخی منتهی شوند، به لحاظ سبک‌شناختی و جامعه‌شناختی شعر آن دوره اطلاعات بسیار خوبی در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد. از دیرباز عده‌ای بر این عقیده بودند که شعر فارسی در اواخر قرن نهم و قرن دهم (زمان تألیف نسخه) و با عبدالرحمان جامی به انتهای کار خودش می‌رسد و به همین جهت است که جامی را خاتم الشعرا می‌نامند. از سوی دیگر برخی از علاقه‌مندان به شعر سبک هندی بر این عقیده‌اند که این دوران، دوران انحطاط شعر فارسی است و شعر جامی نمونه بارز این انحطاط است و شعر سبک هندی نوعی واکنش به این گونه شعر بوده

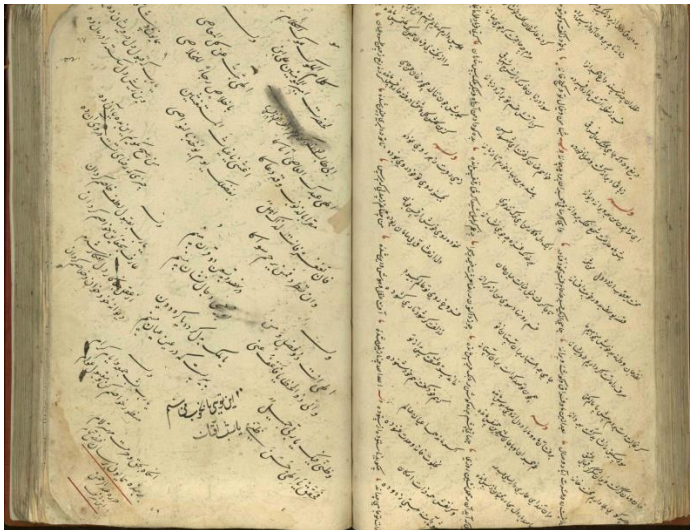
است. لذا از این جهت که شعر روان و عراقی وار در زمان تألیف این نسخه توسط چه کسانی و به چه شکلی سروده می‌شده است یکی از موارد اهمیت این نسخه را برای ما روشن می‌سازد. نکته دیگر اینکه در دوران کتابت نسخه جنگ شرف، ما نخستین نشانه‌های سبک هندی، مکتب وقوع و همچنین طرز واسوخت را می‌توانیم ردیابی کنیم و در کنار آن دریابیم این نخستین نشانه‌ها در شعر کدام‌یک از شاعران این دوره ظهور و بروز یافته است. دوران تألیف نسخه به‌گونه‌ای دوران گذار از دوره سبک عراقی و به سبک هندی است. بخشی از نشانه‌های این دوران بینابین را در شعر این نود و اندی شاعر موجود در نسخه می‌توان یافت و این خاصیتی است که تنها در جنگ‌ها و سفینه‌ها به چشم می‌خورد، زیرا در این مجموعه‌ها ما با شعر یک شاعر روبرو نیستیم با مجموعه‌ای از شعرا که اغلب آن‌ها هم‌دوره کاتب هستند روبرویم.

بحث و بررسی

جنگ شرف، معرفی و تحلیل

بستر تحقیق در این پژوهش نسخه‌ای خطی است که به نام «جنگ نظم-منتخب اشعار شعرا-قسمتی از دیوان جامی-یوسف زلیخای جامی» در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود که از این پس به واسطه نام گردآورنده و کاتب نسخه با عنوان «جنگ شرف» از آن نام می‌بریم. این نسخه با شماره ۸۶۷۳۰ به ثبت رسیده است و تاریخ نگارش آن حدود ۹۱۰ هجری قمری در نظر گرفته شده است که جای بحث دارد و در ادامه به آن خواهیم پرداخت. کاتب این نسخه شخصی به نام عبدالرحمن بن شرف است. به این موضوع در گوشه پایین سمت چپ تصویر ۱-۱ اشاره شده است و نامش به عنوان کاتب این نسخه آمده است؛ اما درباره وی و آثار و احوالش چیز زیادی در دست نداریم البته این نکته را نباید نادیده گرفت که افتادگی‌های آغاز و پایان نسخه در این امر بی‌تأثیر نبوده است. تنها چیزی که از نوشته‌های کاتب می‌توان حدس زد این است که عبدالرحمن شرف از ملازمان و نزدیکان عبدالرحمن جامی بوده است. چراکه از وی با نام حضرت مخدومی یاد می‌کند. در اثنای اشعار برخی از جاها با اشعاری روبرو می‌شویم با تخلص شرف که به نظر نمی‌رسد اشعار کاتب باشند و بیشتر به تشابه اسمی نزدیک است. در فرهنگ سخنوران خیام پور برای نام شرف، سی‌وهفت نفر با پسوند‌های مختلف می‌یابیم که از این میان تنها سه نفر از نظر تاریخ زندگی عبدالرحمن شرف مطابقت دارد. شرف اردستانی، شرف بافقی و شرف تبریزی که با بررسی اجمالی احوال ایشان دریافتیم هیچ‌یک از این افراد قرابتی به نگارنده جنگ شرف پیدا نمی‌کنند. (خیام پور، ۱۳۷۲: ۴۹۷-۵۰۰)

خط این نسخه، نستعلیق است که بخش‌هایی از آن به خط شکسته نستعلیق نوشته شده است به نظر می‌رسد کاتب در دو دوره این مجموعه را نوشته باشد، یکی که نزدیک به جوانی وی بوده و با حوصله و مرتب نوشته شده و خط آن نستعلیق است و قسمت بعدی که به نظر عجولانه و با بی‌حوصلگی نوشته شده و به نظر می‌رسد برای پایان دادن به کار نگارش نسخه بوده و مصادف با دوره‌ای که کاتب از حوصله کم‌تری برخوردار است. شاید یکی از دلایلی که موجب انتخاب خط شکسته نستعلیق برای پایان دادن به اثر بوده، این است که این نوع خط سریع‌تر نگارش می‌شود. در ادامه دو صفحه از نوع نگارش کاتب برای آشنایی مخاطبین ارائه می‌شود.



تصویر ۱-۱



تصویر ۱-۲

در ابتدای این نسخه یک صفحه مطلب هست که توسط شخصی غیر از کاتب و به نظر در همین دوران اخیر نوشته شده است. در این متن تاریخ کتابت نسخه را حدود ۹۱۰ ه. ق می‌داند اما آنچه در نسخه تفحص کردیم تاریخی که نشان دهد این نسخه در حدود ۹۱۰ نوشته شده است به چشم نخورد، تنها در صفحه‌ای که پایان آن به کاتب نسخه اشاره دارد (تصویر ۱-۱) می‌نویسد حرره عبدالرحمن بن

شرف، چند رباعی داریم که شاید راهنمای خوبی برای ما باشند. رباعی نخست با عنوان «همایون پادشاه علیه...» از این قرار است:

یا رب که قبول دل درویشان ده وین ریش دل شکسته را درمان ده
من هیچ نگویم این بده یا آن ده چیزی که رضای توست در وی آن ده

(جنگ شرف، بی تا: ۹۸)

و رباعی دوم:

یا رب به شب جمعه و ایام کرام منظور خواصم کن و مقبول عوام
آنگاه به حق حرمت مهتر لام بر بنده همایون برسان فیض تمام

(همان)

و رباعی سوم

در نهصد و تسعین دو قران می بینم از عیسی و دجال نشان می بینم
یا ملک بدل گردد یا گردد دین سری است که در عین عیان می بینم

(همان)

در دو رباعی اول نام همایون شاه را می بینیم که بعید نیست این جنگ به او تقدیم شده باشد. همایون شاهی که با این دوره همخوانی زمانی و جغرافیایی داشته باشد، همایون شاه گورکانی دومین پادشاه گورکانی است که در حدود سال ۹۱۳ قمری تولد یافته و در ۹۶۳ وفات یافته است و دو بار پادشاه هند بوده اما در صورتی که در سال تحریر نسخه ۹۱۰ باشد با این پادشاه متناسب در نمی آید. در رباعی سوم عدد سال ۹۹۰ را می بینیم که به نظر به یک پیش گویی در این سال اشاره شده است. با توجه به آنچه ارائه شد می توان تاریخ کتابت نسخه را حدود ۹۵۰ ه. ق دانست. اگرچه این مجموعه همانند بسیاری از نسخ خطی آشفته است و آغاز و انجام آن افتاده است و ترتیب ابتدایی به درستی مشخص نیست، اما آن را می توانیم به چند بخش تقسیم نماییم:

۲-۱ اشعار جامی

این بخش شامل اشعار عبدالرحمان جامی است که کاتب نسخه به وی ارادت ویژه داشته و در برخی جاها از او با عنوان حضرت مخدومی یاد می کند. این بخش را می توانیم به دو بخش مجزا تقسیم کنیم:

غزلیات جامی

شامل بخش عمده ای از غزلیات موجود در فاتحه الشباب و چند غزل از سایر غزلیات جامی است

یوسف و زلیخا

یوسف و زلیخا منظومه ای است که ماجرای عشق زلیخا به یوسف نبی از ابتدا در آن است و البته گرچه بخش هایی از این منظومه از نسخه افتاده است اما بخش عمده ای از آن موجود است.

شاعران پیش از قرن نهم

شامل اشعاری از شعرایی همچون: انوری، نظامی، سنایی، شیخ جام، ابن یمین، سعدی، خواجه، حافظ، امیر خسرو دهلوی، سلمان ساوجی

شاعران قرن نهم و اوایل قرن دهم

شامل غزلیات شعرایی همچون: آذری، آصفی، امیدی طهرانی، آهی، ابراهیم، ابن حکیم، امانی، امید، انسی، اهلی، باباغانی، بساطی، بنایی، بیانی، پناهی، توفی (تونی)، جمال، جوهرخان، حافظ حلوابی، حافظ طوفی، حریمی، حسامی، حسن، حسینی، حیدر، حیرتی، خلقی، خیالی، درویش سقای بهرام، ریاضی، زمانی، سعد، سقا، سوایی، سهمی، سید، سیفی، شاه قاسم انوار، شرف، شریف، شریفی، شهید، صادق، صالح، صوحی، عارفی، عشقی، عصمت، فانی، فراقی، فریدون، فکری، فنایی، قبولی، قدسی، قیدی، کاتبی، کامران، کاهی، کمالی، کوکبی، گداغلی، گلخنی، لسانی، مانی، محتشم، محوی، مخفی، مسعود، مشفق، مفلسی، مقید بیگ، میر مظفر بدخشی، میلی، ناصر، نثاری، ندیمی، نسیمی، نهالی، نیازی، نرگسی، نشاطی، نویدی، واحدی، وصفی، واصلی، وصالی کولایی، وصلی، وفایی، هاشم، هاشمی، هاتفی، هروی، هلالی، همایون، همدم، یوسفی.

با نگاهی به اسامی شعرای گروه سوم اسامی شاعرانی را می‌بینیم که کمتر نامی از آن‌ها دیده‌ایم، شعرایی همچون جوهر خان، حافظ طوفی، مقید بیگ، وصالی کولایی و... از نظر قالب شعرهای موجود در این جنگ می‌توان این مجموعه را به چند دسته تقسیم کرد

الف) غزل؛ بیشترین بخش اشعار این جنگ را غزلیات شاعران مختلف به خود اختصاص می‌دهد
ب) مثنوی؛ بخش عمده مثنوی‌های این مجموعه یوسف و زلیخا است پس از آن مناجات و اعتقادنامه عبدالرحمن جامی را می‌آورد و اما از بوستان سعدی، هم در حد چند حکایت آورده است. همچنین از نظامی و سنایی و شیخ واحدی و شاه قاسم انوار و درویش سقای بهرام نمونه‌هایی در این جنگ وجود دارد.

ج) قالب‌های دیگر؛ چند قصیده از شاعرانی همچون قدسی، حالی و امیدی، سه رباعی و سه دوبیتی منسوب به حضرت علی^(ع) و یک مثنی از غزالی، در این جنگ داریم.

با نگاهی به قالب‌های شعری موجود در این جنگ در می‌یابیم غزل همچنان قالب پرتعدادی در این دوره است و البته غزل عاشقانه که دارد اولین تجربیات مکتب وقوع و طرز واسوخت را هم در خود تجربه می‌کند. هنوز قصیده را مخاطب می‌پسندد و با توجه به اینکه قصاید موجود از شعرای همان دوره (قدسی، امیدی، حالی) است و نه قصایدی از شعرایی مثل خاقانی، ناصر خسرو و... نشان می‌دهد تمایل به گفتن قصیده و ارائه به مخاطب در میان شاعران و شنیدن آن در میان مردم جایگاه خود را از دست نداده است. مثنوی داستانی و همچنین مناجات‌ها جایگاه ویژه‌ای در این جنگ دارد. اینکه رباعی در این مجموعه فقط سه قطعه هست و دوبیتی هم سه دوبیتی عربی جای تأمل دارد و نهایتاً وجود یک مثنی به نظر می‌رسد شعری بوده که کاتب حیفش آمده که ثبت نکند وگرنه مورد مشابه در این قالب نداریم.

مضمون شعرهای این جنگ، جدی، عاشقانه و گاهی عرفانی هستند و تنها یک دوبیتی مطایبه گونه در این مجموعه داریم که میر مظفر بدخشی برای شخصی به نام میر ساقی سروده که می‌گوید:

جناب میر ساقی بهریاران بزی آورد امانیم جانی
چه گویم وصف آن بز قصه کوتاه کشیده پوستی بر استخوانی

(جنگ شرف، بی تا: ۵۴)

یکی از نکات قابل توجه در این جنگ این است که در بسیاری از اشعار شعرای مختلف وقتی که شعر را با دیوان تطبیق می‌دادیم، یک یا دو بیت از آن حذف شده بود و این شاید به این خاطر بوده که کاتب بتواند اشعار بیشتری از شعرای بیشتر ارائه کند یا اینکه در این دوره در محیط جغرافیایی کاتب، غزل کوتاه‌تر را بیشتر می‌پسندیده‌اند.

ساختار اشعار نسخه به لحاظ سبکی

چنانکه پیش از این اشاره مختصری شد تاریخ کتابت جنگ شرف مصادف است با دوره‌ای که از آن با سبک هندی یاد می‌کنیم. دوره‌ای که به موازات با خود مکتب وقوع و طرز واسوخت را نیز تجربه می‌کند. اگر به طور خلاصه بخواهیم از این منظر به این جنگ نگاه کنیم، سه دسته شعر می‌توانیم در این جنگ بباییم؛

اشعاری که از دوره‌های پیشین است و به لحاظ سبکی خراسانی و عراقی است و اشعاری که در قرون نهم و دهم هنوز به همین شیوه سروده شده است.

اشعاری که به شیوه وقوعی و واسوختی گفته شده است. در اینجا باید اشاره کرد که شعر به شیوه وقوعی نمونه‌های فراوانی در این جنگ دارد اما نزدیک به طرز واسوخت نمونه چندانی در این مجموعه نمی‌توان یافت. شاید یکی از دلایل این موضوع این است که از شاعران طرز واسوخت همچون وحشی بافقی و محتشم کاشانی و امثالهم یا اشعار بسیار کمی در نسخه آمده یا شعری نیامده است؛ اما نمونه‌های مکتب وقوع و موتیف‌های وقوعی را در این مجموعه به کرات می‌توان یافت و دنبال کرد، در اشعار شعرایی همچون؛ کاهی، زمانی، انسی، آهی، حیدر، خسرو، لسانی، خیالی، نثاری، غزالی، شرف و بسیاری از شعرای دیگر این دوره که در این جنگ اشعاری از آن‌ها داریم. این موضوع تا حدی است که در آینده در مقاله‌ای جداگانه به آن خواهیم پرداخت؛ اما در اینجا به ذکر چند نمونه از شعرهای وقوعی اکتفا می‌کنیم. نمونه‌ای از انسی

به‌غایت فتنه‌انگیز و بلایی بلایی از بلاهای خدایی
ز دل هر دم چه می‌آیی به مردم به مردم چند خود را می‌نمایی

(همان: ۶)

یا غزلی از حیدر با این مطلع:

به هر کس حدیث دل ریش کردم دلش را ز غم چون دل خویش کردم
به‌هر حال شادم ز اوقات عمری که صرف بتان جفاکش کردم

(همان: ۸)

یا غزلی از کاهی با این مطلع:

اگرچه نیست به وصل تو دسترس ما را همین که طالب وصل توایم بس ما را

(همان: ۱۱)

محمود فتوحی در کتاب صدسال عشق مجازی که درباره مکتب وقوع و طرز واسوخت نوشته است، در فصل هفتم برخی از ویژگی‌ها و موتیف‌های مکتب وقوع را بر می‌شمارد که به‌وضوح در بسیاری از اشعار این جنگ یافت می‌شود. اشاره به بزم‌های محبت یا مهرورزی و آداب آن، تبسم‌های پنهانی و نگاه‌های دزدکی، التفات به رقیب، علاقه به جفای معشوق و مواردی از این دست جزو مواردی است که فتوحی از شگردهای شعر وقوعی به شمار آورده است (فتوحی، ۱۳۹۵: ۲۶۹). در ادامه چند نمونه برای موارد یاد شده از جنگ شرف می‌آوریم.

نمونه توجه یار به رقیب در شعر شرف؛

ز بس آورده‌ام در التفات یار با اغیار نمی‌دانم که کنج هجر یا بزم وصال است این

(همان: ۱۳)

نمونه تبسم پنهان به عاشق در شعر لسانی؛

تبسم کردن پنهان کجا رفت [و] نگاهت کو به چشم لطف گاهی سوی این بیچاره می‌دید

(همان: ۱۱)

نمونه علاقه به جفای معشوق در شعر آهی؛

آهی به جفا و ستمش نه سر تسلیم کز جور خود آن کافر بی‌باک نگردد

(همان: ۷)

و یا این بیت از حیدر؛

مرا خوش است جفایش ولی از آن ترسم که چون ز حال من آگه شود جفا نکند

(همان: ۷)

نمونه اشاره به بزم‌های محبت و مهرورزی در شعر کاهی؛

به مجلس گر نسازد با من و با دیگران سازد ز آهم ناله از چنگ و فغان از عود می‌خیزد

(همان: ۵)

آنچه پیش از این ارائه شده نمونه‌ای اندک از موارد فراوان شعر وقوعی و نمونه‌های آن در جنگ شرف بود و امیدواریم که در آینده بتوانیم تحقیقی با عنوان شعر وقوعی و نمونه‌های آن در جنگ شرف ارائه کنیم

اشعاری به سبک هندی

در اشعار جنگ شرف با توجه به دوره زمانی نگارش آن هنوز رویکرد پرداختن به تکلف‌های زبانی و معنایی شعر سبک هندی آن‌گونه که باید مورد توجه نیست. این موضوع می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد اما بیش از هر چیز به نظر می‌رسد شعر در این دوره در ابتدای مسیر تجربه‌های هندی سرایی است چراکه نمونه‌هایی را می‌یابیم اما نه به شکل کامل، بیشتر به صورت موردی و تک‌بیتی است.

نکات نگارشی نسخه

در نسخه به نکات نگارشی مختلفی برخوردیم که با توجه به بسامد این نکات در اینجا به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. در نگارش برخی از ابیات کاتب ظاهراً نسخه‌هایی داشته که آن را هم در نظر گرفته است و دو ضبط برای کلمه‌ای در یک مصرع ارائه نموده به‌عنوان مثال در بیت زیر بالای کلمه مؤذن واژه مقری را هم آورده مثال:

نکرده مؤذن از گلبانگ یا حی فراز غفلت شب مردگان طی

(همان: ۱۲۳)

۲. «نون منفی‌ساز» افعال را برخی از جاها به شکل جدا و با «ه غیرملفوظ» آورده به‌عنوان مثال: در مصرع «هرچند نالم از غمت هرگز نبینم مرحمت» «نبینم» را به شکل «نه بینم» نوشته

۳. «ب تأکید» نیز به همین صورت در برخی موارد جدا و با «ه غیرملفوظ» نوشته شده است. به عنوان مثال: در مصرع «دیده از غیر او ببوشیدم» «ببوشیدم» به شکل «به پوشیدم» نوشته شده است.

۴. چسبیده نویسی حرف اضافه «به» مثال: «به خواب» به شکل «بخواب» و «به شب» به شکل «بشب»

۵. بعضاً حروف یک نقطه‌ای را سه نقطه‌ای و حروف سه نقطه‌ای را یک نقطه‌ای نوشته به‌عنوان مثال واژه «چون» را به شکل «جون» نوشته و «بی» را به شکل «پی»

۶. نشانه‌هایی از لهجه در نسخه دیده می‌شود که مشخص است کاتب عمدتاً به این‌گونه نگارش داشته است که به دلیل آنکه موارد مختلفی داریم هر یک را به صورت جداگانه می‌آوریم:

۶-۱ گذاشتن فتحه روی یاء میانجی به‌عنوان مثال در غزلی از جامی با مطلع: ای ز تو کوه کوه غم بر دل مبتلای من /

نیست مراد خاطرت جز غم و جز بلای من / بر روی یاء برخی از کلمات قافیه از جمله: بلای، خطای و جفای فتحه گذاشته است.

۶-۲ نکته دیگری که دیده می‌شود اشباع کسره است. این مورد نمونه‌های فراوانی دارد اما به ذکر یک مورد بسنده می‌کنیم به‌عنوان مثال در این مصرع از شیخ واحدی آمده: «کلامی ما بود رمزی ز اعجاز» واژه کلام در این مصرع جایی که باید با کسره می‌آمد با یاء آمده است.

۶-۳ یک‌بار کاربرد «آما» به جای «اما» در نسخه دیده می‌شود به‌عنوان مثال در این مصرع از جامی: «شد معلم بر در تعلیم خلق آما چه سود»

۷. «ی نکره» در بسیاری از موارد حذف شده است به‌عنوان مثال در غزلی از کاتبی جایی که باید می‌نوشته «فانوسی» نوشته «فانوس» یا به جای «جایی» نوشته «جای»

در این نسخه مواردی به چشم می‌آید که به نظر می‌رسد اشاره به آن‌ها برای مخاطب این تحقیق خالی از لطف نباشد. در ابتدای این جنگ غزلی به نام سعدی داریم به این شکل

برگ گل نیست که افتاده به طرف چمن است پنبه داغ دل بلبل خونین کفن است

یک سر مو سخنی نیست در آن موی میان دهنش یک سر مویی و در آن هم سخن است
 دلم از بس که در او داغ نو و کهنه بود لاله‌زار غم گلزار بلای چمن است
 تتم از ضعف چنان شد که اجل جست و نیافت ناله هرچند نشان داد... است
 جان من گـر بـسـتـانـد... سـمـنـهـا... عدیا...

(همان: ۱)

این غزل که به سعدی منسوب شده در دیوان شاعر موجود نیست و با توجه به ویژگی‌های سبکی نیز احتمال نمی‌رود متعلق به سعدی باشد و احتمالاً متعلق به شاعری هم دوره گردآورنده بوده است که یا تخلصش سعدی بوده و یا اینکه شعر به اشتباه به سعدی منسوب شده است. همچنین در جایی دیگر غزلی دیگر از سعدی آورده شده است با مطلع:

آن قادری که قدرتش از نی‌شکر کشد از خار خشک غنچه گلبرگ تر کشد

(همان: ۴۰)

این غزل نیز در هیچ‌یک از چاپ‌های کلیات سعدی یافت نشد، ضمن اینکه از نظر ویژگی‌های سبکی چندان با سبک شعری سعدی همخوانی ندارد و در نتیجه غزلی است که یقیناً از سعدی نیست. قصیده‌ای هم در نسخه به نام سعدی داریم با این مطلع

ای دل به کام خویش جهان را تو دیده گیر در وی هزار سال چو نوح آرمیده گیر

(همان: ۳۹)

که از قضا همین قصیده نیز در قصاید سعدی موجود نیست و تنها در کلیات سعدی به تصحیح مظاهر مصفا آن هم جزو قصاید الحاقی آمده است. با این حساب دو غزل و یک قصیده از سعدی در این نسخه داریم که هیچ‌یک قطعی از سعدی نیست. غزلی از ناصر بخارایی در نسخه داریم با مطلع:

روی در مسجد و دل جانب خمار چه سود خرقة بر دوش و کمر بسته به زنار چه سود

(همان: ۱۳)

در تصحیح مظاهر مصفا از کلیات سعدی این غزل آمده (مصفا، ۱۳۹۰: ۴۴۹) اما در تصحیح فروغی و اتابکی و یوسفی وجود ندارند. در دیوان ناصر بخارایی و در این نسخه به اسم ناصر است (ناصر بخارایی، ۱۳۵۳: ۲۸۴) و با توجه به سبک زبانی سعدی به غزل‌های وی نمی‌خورد.

بیشترین تعداد شعر بعد از جامی که بخش اعظم این مجموعه مربوط به اوست، به حافظ مربوط می‌شود، این نشان می‌دهد شعر حافظ در این دوره برای مخاطب اهمیت زیادی دارد، اما اختلاف روایت در این غزلیات به‌وفور مشاهده می‌شود و این تا حدی است که بحث مجالسی جداگانه می‌طلبند و در مقاله‌ای جدا به تفصیل به آن خواهیم پرداخت؛ اما برای نمونه به دو بیت از دو غزل اشاره می‌کنیم. بیت زیر نمونه‌ای است که در تصحیح قزوینی به این شکل است:

غرور حسنت اجازت مگر نداد ای گل که پریشی نکنی عندلیب شیدا را

(حافظ، ۱۳۹۱: ۴۸)

اما در نسخه به این شکل آمده:

عروس حسن اجازت مگر نداد ای گل که پریشی بکند عندلیب شیدا را

(جنگ شرف، بی تا: ۱۶)

یا بیت:

سرکش مشو که چون شمع از غیرت بسوزد دلبر که در کف او موم است سنگ خارا
(حافظ، ۱۳۹۱: ۴۵)

در تصحیح قزوینی به شکل بالا آمده و در نسخه به گونه‌ای که در ادامه می‌آوریم:

سرکش که ورنه چون شمع از غیرت بسوزد دلبر که در کف او موم است سنگ خارا
(جنگ شرف، بی تا: ۱۳)

این تفاوت‌ها این امکان را پدید می‌آورد که در محیط جغرافیایی عبدالرحمن شرف این روایت از شعر حافظ معروف بوده است.

نویسنده تحفه سامی، زمانی که به معرفی برخی از شعرا می‌پردازد، در ذیل نام حیرتی چند بیت از وی برای معرفی شعر حیرتی نقل می‌کند که یکی از ابیات از این قرار است

حقه لعل بتان را نه ز جان ساخته‌اند بلکه جان را ز لب لعل بتان ساخته‌اند

(سام میرزا صفوی، ۱۳۱۴: ۱۰۵)

اما در نسخه، غزلی با همین مطلع به نام آصفی داریم که در بیت پایان می‌گوید:

آصفی گوهر اشعار تو را در همه جا عشق بازان همه جا ورد زبان ساخته‌اند

(جنگ شرف، بی تا: ۴۵)

تشخیص اینکه مؤلف تحفه سامی درست اشاره کرده یا نگارنده جنگ شرف کار ساده‌ای نیست و نمی‌توان از روی یک تخلص، شعری را به کسی نسبت داد چرا که پیش از این قصیده‌ای را دیدیم از ناصر بخارایی که به نام سعدی هم هست و در دیوان ناصر با تخلص ناصر و در دیوان سعدی با تخلص سعدی است. در این گونه مواقع اگر فاصله زمانی در حد یکی دو قرن بین دو شاعر باشد شاید از لحاظ محتوایی و زبانی و مسائلی از این دست راحت‌تر بتوان حدس زد که شعر نزدیک به کدام شاعر است، اما در اینجا با توجه به هم‌دوره بودن این دو شاعر این حدس هم کار مشکلی است. پس این نکته را می‌توان گفت که شعر شاعران قرن نهم و دهم موجود در این نسخه به جز جامی شعری است که شخصیت ویژه‌ای ندارد و به راحتی با عوض کردن این تخلص‌های رنگارنگ می‌توان شعرها را از این شاعر به شاعری دیگر نسبت داد. به‌رحال چیزی که درباره این غزل برای ما در حال حاضر مشخص است این است که این غزل در اینجا به نام آصفی ثبت شده است.

مؤلف این جنگ هر جا شعری خاص دیده و به نظرش زیبا آمده آن را در این جنگ ثبت کرده است چنانکه پیش از این مطالبه دویستی مظفر بدخشی را دیدیم که از نظر قالب و محتوا با شعرهای جنگ هیچ‌گونه ارتباطی نداشت. یکی از موارد خاص در این جنگ وجود یک شعر با ردیف هندی است که در ادامه کل این شعر را می‌آوریم:

هر گه آن ساقی هندی که طرب کرتی هی
چشم پر فتنه و غماز تو ای لاله عذار
مژه ابروی خود او تیر و کمان ساخته است
گر بمیرم به در یار حیات ابد است
گشت زین قصه افسانه به پیر و جوان
ساغر می ز شراب لب خود برتی هی
خوش غزالی است که در باغ رخت جرتی هی
هر که سویش نظری می‌کند اولرتی هی
زندگی بی رخ آن ماه کیا کرتی هی
که مقید ز غم عشق بتی مرتی هی

(همان: ۱۰۵)

این شعر از شاعری به نام مقید بیگ است که نامش به اهل هند هم می‌خورد و شعری است که ردیف و قافیه اش هندی است و نگارنده این سطور تاکنون شعری به این شیوه ندیده است که در نوع خود قابل توجه است. آنچه در آثار مختلف درباره مقید بیگ تفحص کردیم چیزی به دست نیامد و امیدواریم در آینده و با تصحیح متون دیگر یافته‌های بیشتری در باب وی بیابیم.

از جمله موارد خاص در این جنگ وجود سه دوبیتی عربی به نام امام علی^(ع) است:

الهی عبدک العاصی اتاکا مقرا بالذنوب و قد دعاکا

فان تغفر فاننت لذلک اهل و ان تطرد فمن یرحم سواکا

(همان: ۹۸)

و

الهی انت ذوالفضل و من و انی ذوالخطایا فاعف عنی

و ظنی فیک یا ربی جمیل فحقق یا الهی حسن ظنی

(همان)

و

الهی تبت عن کل المعاصی باخلاص رجاً للخلاصی

اغثنی یا غیاث المستقیین بفضلك یوم یوخذ بالنواصی

(همان)

دیوانی منسوب به حضرت علی^(ع) موجود است که در این دیوان تنها دوبیتی دوم وجود دارد (امام علی، ۱۳۸۳: ۱۶۳) و دو دوبیتی دیگر در این دیوان یافت نشد، همچنین جویا جهانبخش در مقاله‌ای با نام منبعی تازه یاب برای تدوین اشعار معصومان به دوبیتی اول اشاره می‌کند که از امام علی^(ع) است؛ اما دوبیتی سوم در منابع مختلفی که در دسترس ما بود یافت نشد. وجود این اشعار به زبان عربی و به عنوان اشعار حضرت علی^(ع) پیامی دارد که نشان می‌دهد در این دوره اشعار عربی هم برای مردم جذابیت داشته مخصوصاً اگر منسوب به معصومین بوده باشد.

پیش از به این نکته اشاره کردیم که یکی از فواید جنگ‌ها و سفینه‌ها این است که در این مجموعه‌ها بعضی اوقات اشعاری را می‌یابیم که در دیوان شعرا هم ممکن است وجود نداشته باشد. آنچه تاکنون

در این جنگ یافتیم دو غزل از حسن دهلوی است که در دیوان وی موجود نیست و سی و یک غزل از قاسم کاهی است که به واسطه تعداد یافته‌ها از قاسم کاهی مقاله‌ای جداگانه با نام اشعار نویافته قاسم کاهی در جنگ شرف نوشتیم و در آن مفصل به این موضوع پرداخته‌ایم.

در این جنگ تمایل به استفاده از اصطلاحات و زبان عامیانه بسیار به چشم می‌خورد همچنین اولین تمایلات به تصویرسازی‌های سبک هندی و شعر هندی وار سرودن را می‌بینیم. پرداختن به این موارد فرصت جداگانه‌ای می‌طلبد. توجه به شعر شاعران پیش از قرن نهم و دهم بسیار کم است تا جایی که از شعرایی همچون؛ رودکی، منوچهری، خاقانی، فرخی و... بسیاری دیگر نشانی نمی‌یابیم، در عوض به شعر شعرای هم‌دوره کاتب نگاه ویژه‌ای شده است تا جایی که نام برخی از شعرا را گمنامی را در این مجموعه می‌بینیم که پیش از آن جایی نبوده‌اند. اینکه در این نسخه از حافظ اشعار زیادی می‌بینیم اما از سعدی تنها دو غزل و یک قصیده و چیزی در حد سه حکایت از بوستان جای تأمل دارد، مزید بر این باید یادآور شویم که غزل‌ها چنان که پیش از این اشاره کردیم به نظر از سعدی نیست و در دیوان‌های مختلف سعدی ضبط نشده است، همچنین قصیده موجود از سعدی در نسخه نیز تنها در تصحیح مظاهر مصفا آمده و در همان‌جا هم جزو اشعار الحاقی است. لذا ناخودآگاه حس می‌شود که مخاطب و شعرای این دوره دوست دارند از سادگی کمی گذر کرده و از خیال‌پردازی و تصویرسازی و اهمیت به لفاظی و مضمون‌پردازی لذت ببرند و همین مقدمه‌ای می‌شود برای به وجود آمدن سبک هندی و توجه بیش از اندازه به این موضوعات و نهایتاً رسیدن به جایی که در برخی موارد شاعر از آن طرف بام می‌افتد. در محتوای شعر این دوره فضای نقد زاهد و یک نوع عرفان حافظ وار می‌بینیم که البته این می‌تواند برگرفته از جامی باشد.

نتیجه‌گیری

جنگ شرف در بردارنده شعر چیزی نزدیک به ۱۲۰ شاعر است که حدود ۱۰۰ نفر آن‌ها به قرن نهم و دهم مربوط می‌شوند. با مطالعه این جنگ و مورد تحلیل قرار دادن اشعار موجود در آن، مواردی ویژه به چشم می‌خورد که به طور خلاصه در ادامه خواهیم آورد:

۱. در دوره تألیف این جنگ و اقلیم مؤلف قالب غزل همچنان پیشتاز است و بعد از آن مثنوی‌های مناجات و داستانی جایگاه ویژه‌ای دارند.
۲. وجود یک شعر با ردیف و قافیه هندی در این جنگ می‌تواند پیام آور این باشد که این گونه شعر را در مجموعه‌هایی هم زمان با این مجموعه بتوان یافت.
۳. مشاهده اشعار عربی در جنگی که به شاعران شرق ایران قرن نهم و دهم می‌پردازد نشان می‌دهد هنوز تمایلاتی به شعر عربی در مخاطب آن دوره وجود دارد مخصوصاً اگر شعر منسوب به شخصی چون حضرت علی^(ع) باشد، چرا که این دوران مصادف با پادشاهی صفوی و قوت گرفتن شیعه است.
۴. از حافظ در این جنگ به نسبت شاعران و غزل‌سرایان مطرح پیش از قرن نهم و دهم به ویژه سعدی شعرهای بیشتری می‌بینیم و این نشان می‌دهد تمایل به شعری که از سادگی رو به تصویرسازی‌ها رفته و می‌خواهد شیوه هندی گفتن در پیش بگیرد سلیقه‌ای است که

مخاطب این جنگ و جنگ‌های از این دست دارد. البته با اختلاف روایت زیاد را نباید در این جنگ نادیده گرفت، این در حالی است که درباره جامی با آن حجم شعر این موضوع صدق نمی‌کند.

۵. این نسخه می‌تواند نمونه‌ای برای اصلاح ایرادهای موجود در دیوان‌های شعرای موجود در این جنگ و جنگ‌های این‌چنینی قرار بگیرد چنانکه اشاره کردیم بیتی که در تحفه سامی به نام حیرتی بود به شکل کامل در این جنگ به نام آصفی موجود بود یا موارد مشابهی که پیش از این اشاره شد.

۶. از نظر سبکی اگرچه شعر سبک خراسانی و عراقی در این جنگ وجود دارد اما شعر غالبی که از شعرای مختلف در این مجموعه می‌بینیم با مکتب وقوع همخوان است و نمونه‌هایی که از شعر سبک هندی می‌بینیم بسیار کم و موردی است و بیشتر به نشانه‌های ابتدای شکل‌گیری این سبک می‌نماید.

۷. یافتن سی‌ویک غزل از قاسم کاهی و دو غزل از حسن دهلوی که در دیوان ایشان موجود نیست بر ارزش و اهمیت این جنگ می‌افزاید.

منابع

- ثروت، منصور. (۱۳۹۳) روش تصحیح انتقادی متن، تهران: علمی
- جنگ شرف (بی تا)
- جهانبخش، جويا. (۱۳۸۱) منبعی تازه یاب برای تدوین اشعار معصومان، مجله علوم و حدیث بهار ۱۳۸۱ شماره ۲۳
- حافظ. شمس‌الدین محمد (۱۳۹۱) حافظ تصحیح تازه‌ای از نسخه ۷۹۲-۸۲۷ ه. ق (خلخال) به کوشش بهرام اشتری، ج دوم، تهران: آگه
- خیام‌پور، عبدالرسول. (۱۳۷۲) فرهنگ سخنوران، دوره دوجلدی، تهران: طلایه
- رضاپوریان، اصغر (۱۳۹۵) نقد جنگ بیاض. پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی، شماره اول (پیدری ۲۵) سال هفتم
- سام میرزای صفوی. (۱۳۱۴) تحفه سامی با تصحیح و مقابله وحید دستگردی، تهران: ضمیمه سال شانزدهم مجله ارمغان
- صفری آق قلعه، علی. (۱۳۹۰) نسخه‌شناخت. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب
- علی ابن ابیطالب. (۱۳۸۳) دیوان اشعار منسوب به حضرت امیر المومنین علی (ع). دکتر سیده مریم روضاتیان، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی
- فتوحی، محمود. (۱۳۹۵) صدسال عشق مجازی، مکتب وقوع و طرز واسوخت در شعر فارسی قرن دهم، تهران: سخن
- مصفا، مظاهر. (۱۳۹۰) متن کامل کلیات سعدی. تهران: روزنه
- ناصر بخارایی. (۱۳۵۳) دیوان اشعار ناصر بخارایی به کوشش دکتر مهدی درخشان، تهران: سلسله انتشارات بنیاد نیکوکاری نوریانی

